

رئیس مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی همکاری‌های
گازی ایران و روسیه را بررسی می‌کند

در یکسال اخیر دیپلماسی گازی کشور از حالت انفعال خارج شد

بهینه‌سازی و مدیریت مصرف داخلی و به موازات آن افزایش عرضه جدید از میادین جدید- تحت تأثیر قرار دارند.

این افزایش تولید و عرضه با توجه به ذخایر کشور در حوزه گاز می‌توانست اتفاق بیفتد، چه از طریق افزایش تولید میادین فعلی، توسعه میادین جدید یا اینکه کشور می‌توانست جمع‌آوری گازهای همراه که برآورد می‌شود نزدیک به ۱۷ میلیارد مترمکعب در سال گاز مشعل داشته باشیم، رقم بخورد. اما این اقدامات انجام نشد. از سوی دیگر، شدت مصرف داخلی که آن هم خودش یک معلول و ناشی از پیگیری نشدن بحث مدیریت مصرف است، سبب شده که در صورت تداوم روندهای گذشته، شرایط صادرات و حفظ بازارهای صادراتی سخت‌تر شود که این دولت جدید قصد دارد روندهای نادرست گذشته را تغییر دهد. در نهایت وضعیت به گونه‌ای رقم خورده است تا تعهدات صادراتی گاز کشور- بویژه در زمانی که تقاضای مصرف داخلی به پیک می‌رسد- بسیار تحت آثار منفی قرار بگیرد و بازارهای صادراتی ما در برخی موارد دنبال بدیل و جایگزین‌سازی برای گاز ایران باشند. مانند کشور عراق که در یک برهه‌ای تلاش کرد گزینه‌هایی را برای جایگزینی گاز ایران دنبال کند یا حتی واردات برق را از حوزه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس دنبال می‌کند. زمانی این کشور واردات گاز مصر از مسیر اردن را مطرح می‌کرد و حتی گفت‌وگوهایی با قطر و ترکمنستان انجام داده بود که به خاطر نااطمینانی از تأمین امنیت عرضه انرژی به این کشور بود. به هر حال وقتی موضوع امنیت انرژی که یک کار ویژه اصلی دولت‌ها در هر کشوری به عنوان «تأمین‌کننده کالای عمومی» است و عدم تأمین آن فشارهای مردمی را به دنبال خواهد داشت، تهدید شود، جایگزین‌ها بررسی می‌شوند. ایران در سال‌های گذشته به این موضوع کم توجه بود. از این رو، دو کار را این دولت در دستور کار قرار داده است که یکی داخلی است و دیگری

اخیراً ایران و روسیه تفاهمنامه‌ای ۴۰ میلیارد دلاری امضا کردند که در نتیجه این تفاهمنامه ایران می‌تواند نقش پررنگ‌تری در بازار گاز جهان به دست بیاورد. از جمله تکمیل طرح‌های گازی مانند ایران‌ال‌ان‌جی که ظرفیت صادرات گاز به هر نقطه از جهان را در اختیار کشور قرار می‌دهد. در کنار این مباحث، موضوع واردات گاز از روسیه و صادرات آن به بازارهای موجود مطابق اسناد بالادستی و هدفگذاری تبدیل ایران به هاب گاز منطقه مطرح است. اما این سؤال پرسیده می‌شود که روسیه به عنوان یکی از بزرگترین صادرکنندگان گاز جهان چرا باید به چنین همکاری تمایل داشته باشد؟ محمدصادق جوکار، رئیس مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی در گفت‌وگو با «ایران» به این سوال پاسخ می‌دهد. جوکار همچنین درجه اهمیت بازار اروپا برای ایران را بررسی می‌کند و پاسخ می‌دهد که آیا اصلاً اروپا به دنبال عرضه گاز ایران به این اتحادیه هست یا خیر؟

■ اخیراً تفاهمنامه‌ای ۴۰ میلیارد دلاری میان ایران و روسیه به امضا رسید که در نتیجه بخشی از این تفاهمنامه ایران و روسیه قرار است در زمینه گاز همکاری‌هایی داشته باشند. حتی گفته می‌شود که در قالب این همکاری، ایران، گاز روسیه را هم می‌خواهد بخرد. آیا قرار است که یکی از بزرگترین تولیدکنندگان گاز جهان، واردکننده گاز یا سوآپر شود؟ چرا چنین تصمیمی گرفته شده است؟

ابتدا این را بگوییم که درباره وضعیت صادرات گاز هر کشور، در وهله نخست متناسب با ظرفیت صادراتی آن کشور و همچنین پتانسیل‌های تجارت گاز آن صحبت می‌شود. کلمه تجارت گاز را تعمداً به کار می‌برم که یک کلمه اعم است و شامل خرید، سوآپ، ترانزیت، سوآپ هیبریدی، تبادل (Trade-off) می‌شود. از این رو، وقتی که ما درباره بازار صادرات گاز ایران صحبت می‌کنیم، باید به پتانسیل‌های خودمان در وضعیت فعلی و وضعیت احتمالی متناسب با ظرفیت صادرات گاز در چشم‌انداز میان مدت و بلندمدت نگاه کنیم. یعنی تعهدات صادراتی که داریم و می‌خواهیم در آینده کوتاه مدت و چشم‌انداز بلندمدت داشته باشیم. طبیعتاً ظرفیت صادرات ابتدا از مابه‌التفاوت بین تولید و مصرف داخلی و در گام بعدی، استفاده از پتانسیل‌های خرید بیرونی برای صادرات مجدد حاصل می‌شود. در مورد این

در وضعیت کنونی کشور ما قراردادهای فعالی دارد که این قراردادهای به دلیل شدت مصرف انرژی داخلی و سیاست‌هایی که در گذشته باید پیگیری می‌شد و نشد- بویژه در زمینه بهینه‌سازی و مدیریت مصرف داخلی و به موازات آن افزایش عرضه جدید از میادین جدید- تحت تأثیر قرار دارند

موضوع، توجه به چند مورد ضروری است. در وضعیت کنونی کشور ما قراردادهای فعالی دارد که این قراردادهای به دلیل شدت مصرف انرژی داخلی و سیاست‌هایی که در گذشته باید پیگیری می‌شد و نشد- بویژه در زمینه

ویژه‌نامه



ایران

شهریور ۱۴۰۱